

راه

نشریه دانشجویی
دانشگاه سوره

شماره دوم | شناسه ۱۳۸۸۶

سوره، نامی مقدس

گفتاری با:

محمدرضا سرشار
نویسنده، پژوهشگر، منتقد ادبی و
استاد تمثیل شناسی دانشگاه سوره

هنر در خدمت

تاملی بر رویداد مسابقه

پوستر «الاقصی»

مجتبی مجلسی

دبیر مجمع طراحان گرافیک

انقلاب اسلامی «آیه»

پادداشت اختصاصی



توقف ممنوع!

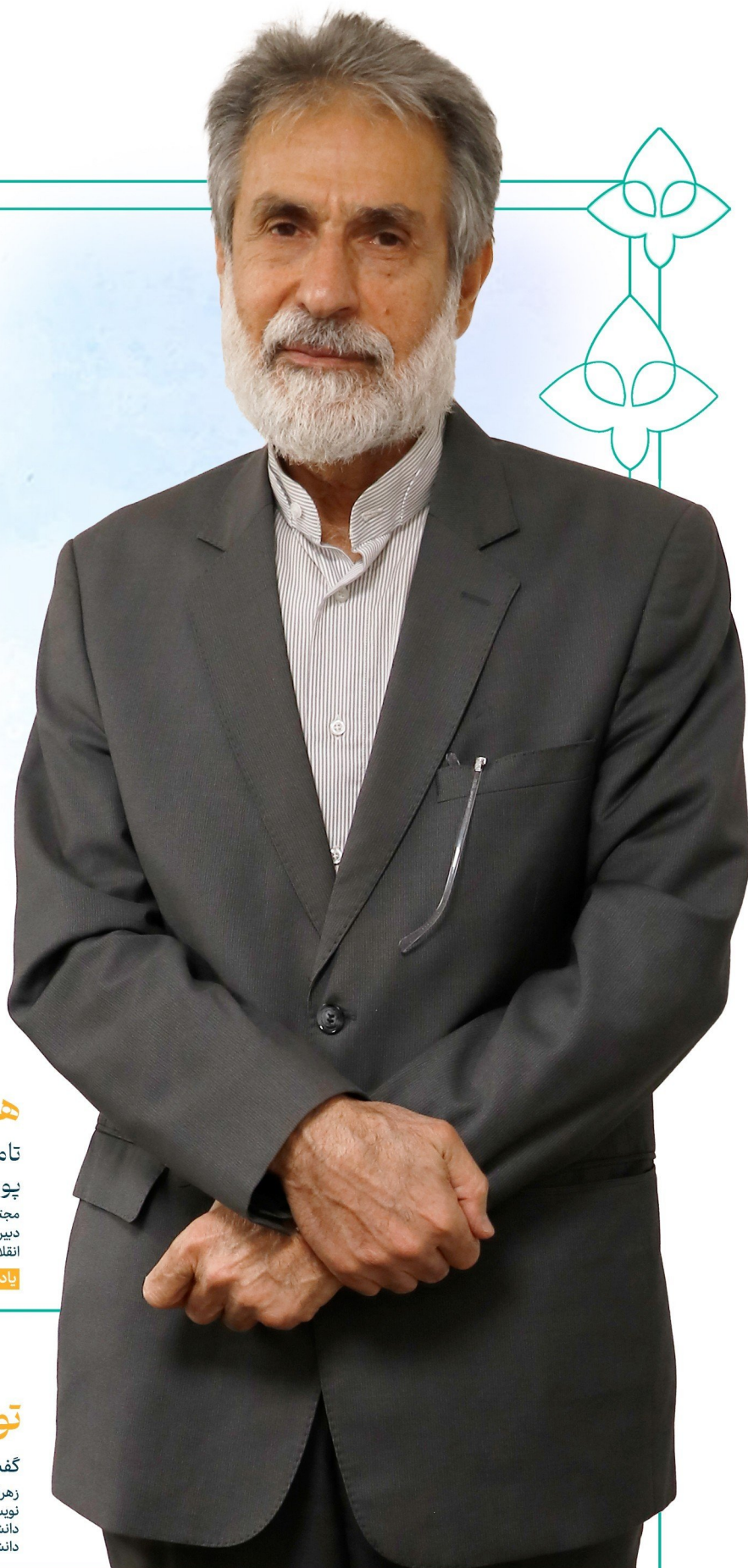
گفت‌وگو با:

زهره خدائی

نویسنده کتاب و

دانشجو مطالعات فرهنگی

دانشگاه سوره



گر مرد رهی میان خون باید رفت
وز پای پیاده سرنگون باید رفت
تو پای به ره در نه و از هیچ می پرس
خود «راه» بگویدت که چون باید رفت

ماهنامه دانشجویی دانشگاه سوره | شماره دوم | ۳۰ دقیقه



دانشگاه سوره

راه

نشریه دانشجویی
دانشگاه سوره

۱ سرمقاله: آخرین تکاپو

نورالهدی حیدری فرا دبیر هیئت تحریریه

۳ آینه جادو: روایت تسخیر

بنیامین فلاحی | سردبیر

۴ گفتار: سوره، نامی مقدس

گفت و گو با محمد رضا سرشار | نویسنده، پژوهشگر،
منتقد ادبی و استاد تمثیل شناسی دانشگاه سوره

۸ نگار: مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ

حسام مدحت | مدیر مسئول

۱۱ نگار: هنر در خدمت

یادداشت اختصاصی
مجتبی مجلسی | دبیر مجمع طراحی گرافیک انقلاب اسلامی

۱۲ لبّ کلام: توقف ممنوع!

گفت و گو با زهرا خدائی | نویسنده کتاب و
دانشجو مطالعات فرهنگی دانشگاه سوره



آرمان علی ورد
سراج الدجینی

ولادت: ۲۰ بهمن ۱۳۷۴
شهادت: ۱۲ آبان ۱۳۴۰

ولادت: ۱۳ آذر ۱۳۸۰
شهادت: ۶ آبان ۱۴۰۱



آدرس شبکه‌های اجتماعی:

@RAHMAG_SUN

آدرس روابط عمومی:

@RAHMAG_SUN_ADMIN

صاحب امتیاز:

دانشگاه سوره

مدیر مسئول:

حسام مدحت

سردبیر:

بنیامین فلاحی

دبیر هیئت تحریریه:

نورالهدی حیدری فر

دبیر اجرایی:

زهرا کریمیان اقبال

هیئت تحریریه:

نورالهدی حیدری فر

بنیامین فلاحی

زهرا سادات محمدی نجم

حسام مدحت

مائده نوروزپور

طراح گرافیک:

زهرا کریمیان اقبال

ویراستار:

فاطمه سادات حسینی

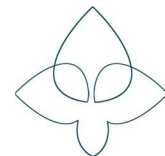
عکاس:

زهرا بختیاری

سیده زهرا حسینی

باتشکر از:

شکوه صالحی



آخرین تکاپ‌و...

● نورالهدی حیدری فر
دبیر هیئت تحریریه

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ
وَنَجْعَلَهُمْ آيَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»

◆ صحنه‌ی تاریخ همواره جولان‌گاه ظلم بسیاری از زورگویان و راوی روایت مظلومیت و اقتدار بسیاری از جوامع بشری بوده است.

◆ جباران در طول تاریخ همواره در پی راهی برای زورگویی، فریب و سوءاستفاده از ملت‌های دیگر با به بردگی کشاندن انسان‌ها برای خود قدرت و ثروت بسیار فراهم کرده‌اند هرچند آگاهی و ایمان؛ دو قطب فشار و عامل ذوب هیمنه‌ی پوشالین نظام سلطه در تمامی اعصار بوده است با این حال هر یک از این دو به موازات هم همواره در پی غلبه و چیرگی بر آن یک و در تلاش برای شکست دیگری بوده است. بدین سبب نظام استعماری نیز همواره در پی تغییر بوده و از مکر دیگر پناه می‌برد.

◆ در ابتدا طاغوتیان به واسطه استعمار کهن به اعمال زور و فشار ملموس و بی‌پرده‌ای بر جوامع پرداختند تا آنکه دیگر این نوع استعمار موثر نبوده و به خوبی برایشان مسلج می‌شود که با رشد جوامع بشری و آزادی اندیشه‌ها اشغالگری مستقیم و تصرفات سرزمینی کارآمد نخواهد بود و به این سبب رختی نواز تزویر بر تن کرده و طریقه‌ای نوین را برای اعمال ظلم و برتری‌جویی از سر می‌نهند.

◆ طریقه‌ای که با نام استعمار نوین از آن یاد می‌شود و این بار با سرکار آوردن افرادی از داخل حکومت‌ها به رشد و ایجاد جوامع مخفی قوت بخشیده و بر اعمال ظلم همه جانبه به شیوه‌ای پوشیده همت می‌گمارد.

◆ اما پس از آن با ناکارآمدی استعمار نو نیز استعمار فرانو طریقه‌ای شد که جبارین عصر حاضر هم‌اینک به واسطه‌ی آن بر تثلیث زر و زور و تزویر خود می‌افزایند. حربه‌ای که این بار تیررس اهداف خود را اندیشه ملت‌ها قرار داده و در تصرف دل‌ها اهتمام می‌ورزد. درست به مانند یک سرطان، تفکرات نیز میزبان فکر محاجم می‌شوند. فلذا دیگر درکی از تهاجم به میان نخواهد بود تا زمانی که محاجم نیز جزئی از خود قلمداد می‌گردد.

◆ آنجاست که کعبه‌ی مظاهر فریبنده سلطه‌گران، قبله‌گاه قلب‌ها گشته و آن زمان است که فرهنگ ملت‌ها آن شود که طاغوت بخواهد و سؤل و اُمنیات آن گردد که نظام سلطه به آن میل آورد.

◆ اما در زمانی که توازنات و سیاست‌ها تنها به یک سو آن هم به خواست نظام سلطه‌ی جهانی گرایش دارد؛ وجود یک مانع و یک عنصر نامطلوب می‌تواند بزرگترین مخاطره‌ای باشد که بدین واسطه تمامی توجهات را برای از میان برداشتنش به سمت خود جلب کند. چه آنکه این ساز ناکوک علم قیام به دوش گرفته و شعار احیای تمدنی نیز سر می‌دهد و هدف نهایی خود را در نابودی بنیادین طاغوت و استعمار جهانی می‌پندارد!

◆ بی‌شک با این انگاره هویداست که در کنار زدن این مانع، عزم‌ها گسیل و همت‌ها از طرف مستکبران بلند خواهد شد چرا که در همان ابتدا نیز رهبر کبیر این قیام این‌گونه مبارزات ظلم ستیزانه‌ی خود را آشکارا فریاد می‌زد:
ما ملت ایران که نهضت کردیم و دست ظلم را

کوتاه کردیم باید دنبال این مطلب باشیم که دست ظالمان را به کلی از کشور خودمان کوتاه کنیم و با هدایت این نور، سایر کشورهای اسلامی و سایر مستضعفان جهان بیدار بشوند و خودشان را از تحت سلطه قدرت‌های بزرگ خارج کنند. از این زمان ایران دیگر تنها یک کشور نبود.

◇ از دید جباران ایران تنها پایگاه آشوبی بود که می‌بایست برای جلوگیری از انتشار بی‌نظمی به مانند یک مانع از میان برداشته می‌شد. از طرفی نیز این انقلاب و رهبران آن کم‌کم تبدیل به اسوه‌های الهام‌بخش گردیدند که مبارزه و لزوم ایستادگی در برابر استکبار و مستکبرین را به‌کرار بر همگان یادآور شدند.

◇ همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد اذعان این داعیات آنقدرها هم ساده و آسان نبود. کشوری که در دوران ظلم گسترده ابرقدرت‌ها با احیای آرمان‌های فطری بشری، تمامی آزادمردان و ظلم‌ستیزان جهان را به روشنای حق فرا می‌خواند، بی‌شک در آسایش طولانی مدت نیز نخواهد ماند چه آنکه دشمنان قسم خورده‌ی آن وجود خطر بزرگ انقلاب اسلامی را برای خود این‌گونه تفسیر می‌کردند:

انقلاب اسلامی؛ خطرناک‌ترین دشمن مشترک تمدن غرب (تمدن ۲۹۰۰ ساله از زمان یونان و روم) در سر تا سر تاریخ آن است. (جرج شولتز - استراتژیست و وزیر پیشین خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا) در این حین تقابل و مبارزات میان دو قدرت صورت گرفت.

جنگ‌های نیابتی و تحریم‌های اقتصادی جزو اولین آسیب‌هایی بود که به طرز بی‌سابقه‌ای تنها بر ایران وارد می‌شد با این حال دشمن تنها به این موارد افاقه نکرد و پس از ناامیدی از مقابله با ملت بزرگ ایران در عرصه‌های نظامی و تحریم‌های ظالمانه و غیر انسانی بی‌سابقه‌ترین جنگ هیبریدی (جنگ آمیخته یا جنگ ترکیبی) به یک راهبرد نظامی گفته می‌شود که آمیخته‌ای از جنگ سیاسی، جنگ کلاسیک، جنگ نامنظم، جنگ مجازی، خبررسانی جعلی، دیپلماسی، جنگ دادگاهی، مداخله در انتخابات کشورهای خارجی، برهم زدن بافت جمعیتی، مهاجری‌پذیری، یورش فرهنگی، ایجاد

تضاد دینی و اینگونه موارد ساخته شده باشد). تنها بر علیه یک کشور و مردمش ترتیب می‌دهد. آنجا که فشارهای داخلی و خارجی را بر ایران متحمل می‌کنند و سعی در به آشوب کشاندن یک کشور دارند در حالی که نقش اصلی این آشوب‌ها را آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (C.I.A) و سرویس اطلاعات خارجی انگلیس (MI6) و سرویس اطلاعات خارجی رژیم کودک‌کش صهیونیستی (موساد) به واسطه همکاری شقی‌ترین گروهک‌های تروریستی بر عهده داشتند. کسانی که در ابتدا اولین و غیرقابل تصورترین ظلم‌های جهانی را پایه‌گذاری کردند، صاحبان جنایت‌های بزرگی همچون دکترین ضاحیه، پروتکل هانیبال و سیاست‌های خصمانه و سردمداران مشروعیت بخش به جنایات دهشتناک جهانی هستند.

کسانی که خود مسئول به وجود آوردن مخوف‌ترین گروهک‌های تروریستی مانند القاعده و داعش هستند (بر گرفته از اعترافات هیلاری کلینتون) حال این‌گونه جیغ بنفش آزادی‌خواهی، عدالت‌خواهی و دموکراسی بر سر عالم می‌کشند.

◇ اگرچه تلاش‌های بسیاری برای دمیدن در آتش و ایجاد هرج و مرج در درون خاک شهیدپرور و پاک ایران عزیز شدند اما به لطف خداوند متعال و هوشیاری و بصیرت آحاد ملت ایران این بار هم از این توطئه و نیرنگ بزرگ به پیروزی دست یافتیم.

وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينِ^۱

◇ اما این بار می‌بایست صحبت از احوالات این روزهای رژیم صهیونیستی را به میان آورد که دیگر این فریادهای دیکتاتورستیزی به معنای حقیقی از غرب کرانه باختریست که به گوش می‌رسد و این بار در تعبیر ادبیات خنثی معترضان و اغتشاش‌گران، آزادی‌بیان؛ خشونت و جنایت معنا می‌شود.

چه آنکه به یمن وعده‌های راستین الهی، بیش از این نیز می‌بایست در انتظار تحقق حق و شکست بزرگتری از جهان‌خواران را انتظار کشید... —

۱- سوره القصص، آیه ۵

۲- سوره آل عمران، آیه ۵۴

روایت تسخیر

جستاری درباره تصویر استکبار در سینمای مستند ایران

بنیامین فلاحتی

سرمدبیر

زمان مطالعه: ۳ دقیقه



بعد از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام (ره)، کارمندان سفارت به مدت ۴۴۴ روز در اختیار نیروهای انقلاب قرار می‌گیرند. مستند، با شمارش رخدادهای مهم این ۴۴۴ روز، ابعاد خارجی این بحران و تصمیم شورای امنیت از جمله قطع روابط دیپلماتیک با ایران از سوی آمریکا، سفر دبیرکل سازمان ملل به ایران، ناکام ماندن حمله نظامی آمریکا در صحرای طبس و نامه «کارت» به امام خمینی (ره) را بررسی می‌کند.

❖ برخی معتقدند یکی از خطرناک‌ترین مسائل در رابطه با حوادث و رویدادهای مهم تاریخی که بخشی از هویت امروز ما را شکل می‌دهند، گم شدن آن‌ها در گردوغبار اتفاقات آن بازه زمانی است؛ اما به عقیده من خطرناک‌ترین مسئله برای تاریخ یک ملت، این است که آن حادثه را به مانند یک کتاب نفیس در کتابخانه منزل خود قرار دهیم و تنها کلیتی دو خطی از موضوع آن کتاب را برای فرزندمان نقل کنیم اما هیچگاه آن را نخوانیم و در روایتش عمیق نشویم. به عنوان مثال اکثر مردم ایران از عاشقانه لیلی و مجنون آگاه‌اند و اگر از آن‌ها در این زمینه سوال شود در جریان اصل و کلیتی از داستان هستند، اما به راستی چقدر از جزئیات و کشمکش‌های داستان می‌دانیم؟ تنها کتابی نمادین در کتابخانه‌اند که باور داریم ارزشمند هستند ولی تلاشی برای یافتن ارزش و محتوای نهفته در آن نمی‌کنیم و این اتفاق است که برای حوادث پندآموز و مهم تاریخی به مثابه یک سم مهلک می‌ماند. بنابراین تاریخ بخشی از حوزه تمدنی یک ملت را شکل می‌دهد و حوزه تمدنی زنده، تاثیرگذار و مشهود است، پس نباید مفهوم تاریخ با موزه اشتباه گرفته شود.

❖ ۴۴۴ روز، اگرچه چند جانبه به موضوع نمی‌پردازد اما از همان جهتی که روایت را دنبال می‌کند توضیحات نسبتاً جامع و کاملی می‌دهد، به این صورت که در انتهای فیلم شبهه‌ای برای مخاطب باقی نمی‌گذارد. اما این فرم تک جانبه روایت را نمی‌توان مزیت یا یک سبک خاص دانست، بلکه برای پرداخت صحیح‌تر به یک اتفاق مهم تاریخی باید لنز دوربین را کمی به سمت بازیگران زمین دیگر آن اتفاق چرخاند، تا تصویر کامل‌تری به مخاطب ارائه شود.

❖ در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا فرار بنی صدر و خروج سرشبکه‌های سازمان منافقین خلق، شدت تراکم اتفاقات چه در ایران و چه در منطقه اعم از حوادث خرد و کلان، بسیار بالا بود و بنظر من انتخاب ریتم تند و عدم تهییج بیش از حد احساسات در مخاطب به همین دلیل است چرا که در فضای ملتهب و پرتناقض آن سال‌ها فرصتی برای پرداختن به احساس نبود.

❖ ۴۴۴ روز داستان اسارت نیست، شاید بتوان گفت ۴۴۴ روز در بخش‌هایی به خط فکری شهید آوینی نزدیک شده است، گویا فیلمساز سعی دارد روح‌انسانی ملت ایران را به دنیا نشان دهد نه روایت حمله به سفارت و اتفاقات سیاسی؛ از دانشجویان پیرو خط امام که به علت مراقبت از لانه جاسوسی تغذیه خوبی ندارند ولی برای اسیران غذای مناسب تهیه می‌کنند گرفته، تا برپایی مراسم مذهبی کریسمس برای کارمندان و جاسوسان سفارت، یا دیدار و گفتگوی آقای خامنه‌ای با زندانیان و حتی کمک برخی جاسوسان به دانشجویان برای چسباندن اوراق خرد شده و... همگی حکایت از طلوع یک تمدن سرکوب شده دارد و این مسئله در دوران دفاع مقدس به اوج شکوفایی خود می‌رسد.

❖ ۴۴۴ روز شاید یکی از بهترین مستندات در حوزه انقلاب اسلامی باشد که توانست به بهترین صورت اهمیت ولایت‌پذیری اجتماعی را با همان ظرفیتی که وجود داشت نشان دهد. دغدغه دانشجویان برای اطلاع از نظر امام خمینی (ره) پیش از تصرف سفارت آمریکا، و تلاش‌های مخفیانه آنان برای ارتباط با امام در شرایط دولت موقت آن زمان، از بهترین نمونه‌ها در این زمینه است.

❖ اگرچه نمی‌توان ساخته گودرزی را مستندی بی طرف عنوان کرد، اما باید گفت توانسته روایت خوبی را از مدارک و مستندات حماسه ۱۳ آبان، به ثمر بنشانند. —

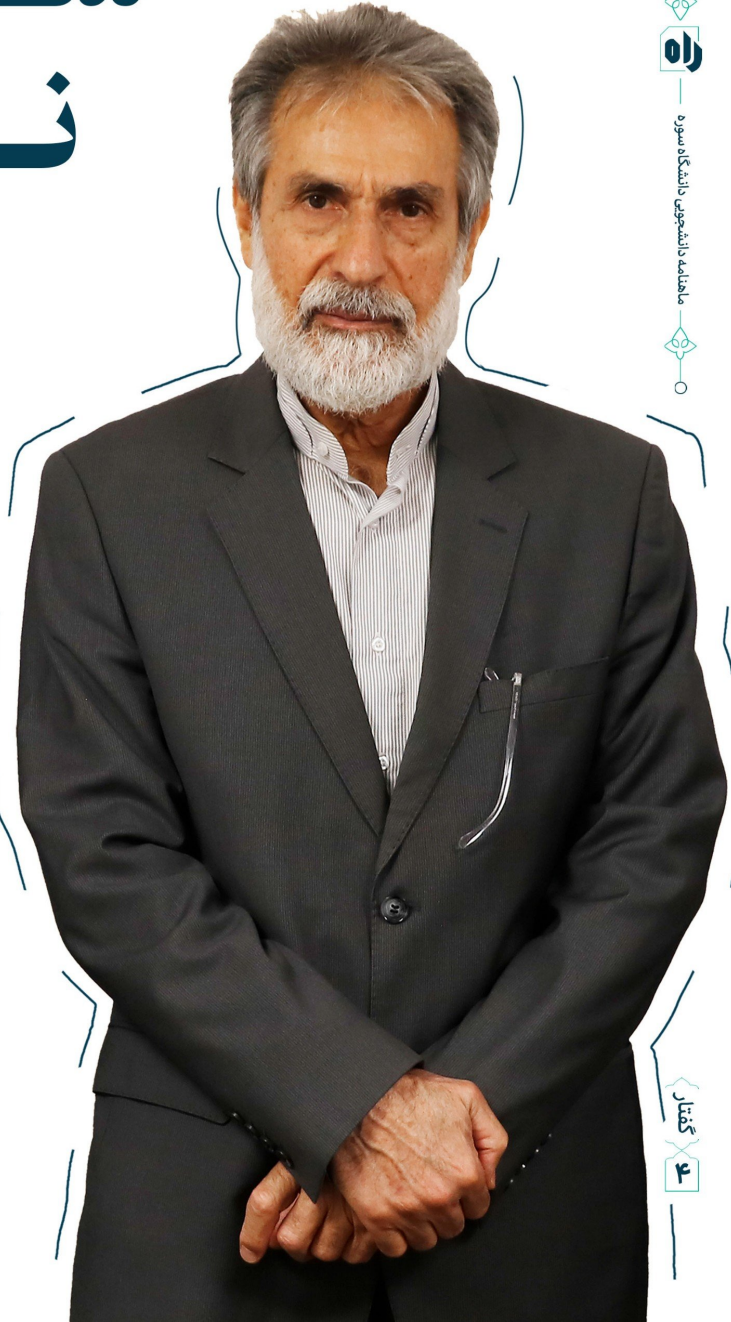


- نام مستند: ۴۴۴ روز
- کارگردان: ایمان گودرزی
- مدت زمان: ۵۱ دقیقه
- تهیه شده: سازمان هنری رسانه‌ای اوج



مستند «۴۴۴ روز»





سوره

نام‌های مقدس

● محمدرضا سرشار

نویسنده، پژوهشگر، منتقد ادبی و استاد تمثیل‌شناسی دانشگاه سوره

«آقای سرشار حق بزرگی بر ادبیات داستانی انقلاب دارند.» این سخن مقام معظم رهبری در مراسم نکوداشت محمدرضا سرشار مشهور به رضار هگدر در سال ۱۳۸۵ است. او معتقد است شرایط فعلی فرهنگی، اجتماعی و آموزشی کشور، ایجاب می‌کند که اهل دانش، هنر و ادب متعهد، حضور فعالانه‌تری در مراکز آموزشی داشته باشند. آقای قصه‌گو هم اکنون استاد درس تمثیل‌شناسی رشته سینما در دانشگاه سوره است. با او در مورد دلایل حضورش در این دانشگاه و طرح تحول سوره به گفت‌وگو پرداختیم.

● مختصری از گذشته شروع کنیم. نحوه ورود شما به عرصه ادبیات چگونه بود؟

من قبل از انقلاب وارد عرصه ادبیات داستانی شدم و با داستان کودک و نوجوان فعالیتیم را شروع کردم. چهار کتابم قبل از انقلاب چاپ شد و خداراشکر هنوز هم تجدید چاپ می‌شوند.

بعد از انقلاب تقریباً دهه ۱۳۶۰ را، بیشتر در عرصه ادبیات کودک و نوجوان کار کردم؛ که توصیه شهید باهنر بود. در همان زمان این توصیه یعنی قبل از پیروزی انقلاب، ایشان دوتا از کتاب‌های من را در دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ کردند. دکتر باهنر، در آن زمان از من خواستند که بر ادبیات کودک و نوجوان متمرکز شوم. من هم حداقل برای یک دهه به حرفشان گوش کردم. بعد وارد حوزه نقد و پژوهش ادبی و مختصری هم داستان بزرگسالان شدم.

از نویسندگی حدود صد و پنجاه عنوان کتاب در عرصه ادبیات داستانی کودک و نوجوان و بزرگسال، ترجمه از عربی و انگلیسی و پژوهش و نقد ادبی؛ که همگی در عرصه ادبیات داستانی هستند. بعضی از آثار داستانی‌ام به زبان‌های دیگر دنیا نیز ترجمه شده اند که از پر استقبالی‌ترینشان می‌توان به مجلد اول از چهار مجلد رمان زندگی رسول اکرم (ص) تحت عنوان «آنک آن یتیم نظر کرده» اشاره کرد. این داستان به زبان عربی ترجمه شده و ترجمه‌اش هم برگزیده سال کشور انتخاب شده و به چاپ‌های متعدد هم رسیده. اما متأسفانه مترجمش بنا به هردلیلی تا امروز، ترجمه مجلدات بعدی‌اش را ادامه نداده است. همچنین تعدادی از آثارم به زبان‌های روسی، اسپانیولی، انگلیسی، کردی، ترکی استانبولی، ترکمنی و اردو نیز ترجمه و منتشر شده است.

از اواسط دهه ۶۰ به بعد، پژوهش‌ها و نقدهای ادبی متعددی

از من منتشر شد. در واقع، طی سال‌های اخیر، بیشتر در زمینه پژوهش و نقد ادبی متمرکز و به آموزش داستان نویسی مشغول بودم. در دهه ۹۰ هم، به اتفاق بعضی از شاگردانم، شروع به نوشتن فیلم‌نامه سه مجموعه تلویزیونی ویژه کودک و خردسال کردیم. مایک مجموعه ۹۲ قسمتی برای شبکه پویای تلویزیون نوشتیم که من سرپرست نویسندگان آن بودم. این برنامه تحت عنوان «بچه‌های ساختمان گل‌ها» (حسنا کوچولو) تاکنون ۵۲ قسمتش ساخته و پخش شده. بعد فیلم‌نامه یک مجموعه ۱۳ قسمتی مربوط به کودکی امام حسین (ع) کار کردیم که به ساخت و پخش از شبکه نهال سیماهم رسید

و کتاب‌های آن در حال چاپ است. همچنین یک مجموعه برای نوجوانان نوشتیم که شش هفت سال پیش از این آماده شد. اما تا امسال ساخته نشده بود. تا اینکه به تازگی تحت عنوان «شیرین دختر شرقی» در ۵۲ قسمت، هر قسمت ۲۲ دقیقه‌ای برای کودکان در حال ساخت است. کتاب‌های قسمت‌های پخش شده «بچه‌های ساختمان گل‌ها» آماده چاپ است. و آن مجموعه ۱۳ قسمتی را جمع به کودکی هم که پخش شد و کتاب‌هایشان هم در حال آماده‌سازی برای چاپ است. الان هم در حال نگارش فیلم‌نامه پی‌آیند (سریال) کودکی و نوجوانی یکی دیگر از ائمه هستیم که قرار است یک مجموعه ۲۶ قسمتی، هر قسمت ۲۲ دقیقه بشود.

● در مطلبی بیان کردین که پس از سال‌ها دوری از تدریس دانشگاهی، دعوت به تدریس در دانشگاه سوره را پذیرفتید. دلایل شما بر اجابت این دعوت چه بود؟

اتفاقات ناگواری که در سال گذشته در کشور افتاد، برای عده‌ای که توانایی‌هایی داشتند و می‌توانستند در مدارس

اتفاقات ناگواری که در سال گذشته در کشور افتاد، برای عده‌ای که توانایی‌هایی داشتند و می‌توانستند در مدارس حضور داشته باشند و حداقل بخشی از کم‌کاری‌های فعلی حاکم بر آموزش و پرورش و البته بیشتر آموزش عالی ما را جبران کنند پیکاهش دهند. از جمله من، هشدار و تذکری جدی بود.

و دانشگاه‌ها به عنوان مدرس حضور داشته باشند و حداقل بخشی از کم‌کاری‌های فعلی حاکم بر آموزش و پرورش و البته بیشتر آموزش عالی ما را جبران کنند یا کاهش دهند از جمله من، هشدار و تذکری جدی بود. خوب از این طرف هم این مصافق شد با دعوت ریاست دانشگاه سوره از بنده. برای تدریس انگیزه شخصی خودم این بود که بعد از سال‌ها که از این عرصه آموزش رسمی خودم را کنار کشیده بودم، دوباره، ولو با قبول تدریس یک درس، در این عرصه حضور پیدا کنم و به سهم خودم در این جریان نقشی داشته باشم. ان‌شالله که نتیجه بدهد.

● می‌توان گفت طرح تحول دانشگاه سوره در پاسخ شما برای تدریس موثر بوده است؟

دانشگاه سوره متعلق به سازمان تبلیغات اسلامی است و قرار بوده مرکزی برای پرورش هنرمندان متدین متعدد باشد. اما در اکثر سال‌هایی که از تاسیسش می‌گذرد، عملاً نسبتی با این هدف و آرمان نداشته‌است. به عبارتی دیگر، جایی که بنا بوده شارح و مدرس و مروج هنر اسلامی و انقلابی باشد، در عمل، از نظر محتوایی، فرقی با دانشگاه‌های دیگر ندارد.

من احساس کردم در مدیریت فعلی این دانشگاه، اراده برای ایجاد تغییر مثبتی در این زمینه وجود دارد. این بود که دعوت ایشان را برای تدریس در آن، پذیرفتم.

البته شاید همه مدیران قبلی این دانشگاه هم در پیدایش وضعیت فعلی حاکم بر آن، زیاد مقصر نباشند. وقتی شما دانشگاهی تاسیس می‌کنید و بعد، از آن می‌خواهید که خودش خرج خودش را در بیاورد؛ آن هم بدون در اختیار قرار دادن زیرساخت‌های لازم و کافی، قاعدتاً نباید انتظار پیدایش وضعیت چندان مطلوبی برای آن داشته باشید.

● دانشگاه سوره چقدر به هدف خود در تربیت هنرمند متعهد دست پیدا کرده؟ و راهکار شمار برای جبران خلا موجود چیست؟

نظام‌های عقیدتی و فرهنگی مثل جمهوری اسلامی ایران، باید برای بخش آموزش و پرورش و هنر و ادبیات مورد نظر خود، سرمایه‌گذاری کنند. همانطور که در دانشگاه‌های دولتی هم این‌کار را می‌کنند. یعنی دانشگاه دولتی هیچوقت هزینه خودش را که از جیب دانشجو تامین نمی‌کند. اما موسسات آموزشی خصوصی، به

این دلیل که باید خرج خودشان را خودشان تامین کنند، به مرور از آرمان‌ها و اهدافی که برای تحقق آن‌ها تاسیس شده‌اند فاصله می‌گیرند. یعنی دغدغه اولشان تامین

هزینه‌هایشان می‌شود. خوب آقای سازمان تبلیغات اسلامی! وقتی شما دانشگاهی تاسیس می‌کنی و بعد به رئیس آن می‌گویی که خودت باید خرج آن را در بیاوری، معلوم است که او، به مرور از آن معیارهای فکری عقیدتی کوتاه می‌آید. حتی در جاهایی ممکن است به کل آن آرمان‌ها و اهداف را رها کند. چون بالاخره باید یک فرقی‌تی را بپرند تا خرجش تامین شود. اگر فلان عده دانشجو در سال نگیرد هزینه خودش را نمی‌تواند تامین کند و به مرور، در بهترین شکل ممکن، مانند بقیه دانشگاه‌های دیگر و به بسا جزء بدترین‌هایش می‌شود. در حالی که بنا به تعریف، دانشگاه وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی نباید مانند دانشگاه‌های غیردولتی غیرعقیدتی باشد. چون نام این سازمان بر این دانشگاه است.

من بارها به بعضی از این دست اندرکاران این موضوع را گفته‌ام که شما برای چه، این دانشگاه را تاسیس کرده‌اید؟ با این رویه فعلی که دارید آن را اداره می‌کنید، دانشگاه آزاد و بعضی موسسات آموزش عالی غیردولتی دیگر که هستند. شما می‌خواهید دکاتی مشابه آن‌ها و در کنارشان باز کنید که چه بشود؟ اکثر این سالیان متمادی که از تاسیس دانشگاه سوره می‌گذرد، این دانشگاه از لحاظ فکری و محتوایی و برونداد، چه نسبتی با نام و اهداف سازمان تبلیغات اسلامی داشته است؟ یعنی از رئیسش که بگذریم که منصوب سازمان تبلیغات بوده، چند درصد مثلاً از مدرسان و دانشجویان آن در جهت این اهداف و آرمان‌ها بوده‌اند؟! خوب اگر قرار بود شما هم چنین دانشگاهی درست کنید که بقیه دانشگاه‌ها بودند. دانشگاه تاسیس کردن، که آنچنان درآمدی هم ندارد؛ که شما بگویید مثلاً برای درآمدش آن را تاسیس کردیم! نمی‌توانم با اطمینان بگویم در تمام سال‌ها، ولی گفته می‌شود که در اکثر سال‌هایی که از تاسیس دانشگاه

سوره می‌گذرد، دغدغه اول و اصلی مدیرانش، تامین دخل و خرج دانشگاه بوده؛ و برای همین، خیلی از معیارهای آرمانی و عقیدتی کنار یا در حاشیه گذاشته شده‌است. در مدیریت فعلی، گفته می‌شود که تلاش بر این است تا احتمالاً با جلب کمک‌های مالی از جاهای دیگر، این اتکالی صدرصدی دانشگاه بر شهریه دانشجو را کم کنند، تا بتوانند حتی المقدور گرینش دانشجویان را دقیقتر کنند، و سطح محتوایی و علمی آن را ارتقا ببخشند.

● تعریف هنر متعهد و هنر انقلابی و از طرفی تربیت هنرمند متعهد از نظر شما چگونه است؟ و نقش دانشگاه

سوره در این حوزه کجاست؟
حضرت امام می‌فرمایند: هنر، دمیدن روح تعهد در انسان‌هاست.

هنر متعهد هنری است که درصدد ایجاد رشد و تعالی معنوی در مخاطب باشد. هنر اثر هنری که بتواند در این جهت قدم ولو کوچکی بردارد، یک اثر هنری متعهد است. اگر به سرچشمه‌های وحی و توحید وصل باشد، هنر دینی می‌شود، که خود به خود، این تعهد در ذاتش است. نباید فراموش کرد که مجموعه‌ای از آثار هنری متعهد، در طول زمان، به تدریج می‌توانند آدمی را عوض کنند نه یک کار و دوکار و چندکار. ما وقتی می‌گوییم تعالی، طبعاً منظورمان نزدیک شدن به خدا است. ما این راه‌نرم‌متعهدی مدتی‌موتعتقدیم که مقدمه این قضیه، وجود استادانی است که هم رفتار و منششان این ارزش‌ها را به نمایش بگذارند و هم موادی که درس می‌دهند این درونمایه را به مخاطب انتقال دهد. همچنین، در آن طرف، باید دانشجویانی باشند که برای پذیرش چنین آموزه‌ها و درونمایه‌هایی، زمینه‌فکری و شخصیتی لازم را داشته باشند. بعدمتون درسی آماده‌های چنین آموزه‌هایی است. لذا هر یک از این سه راس مثلث

استاد دانشجو-متی آموزشی که ناقص یا غایب باشد، کار آن‌گونه که باید به ثمر نمی‌رسد و هدف محقق نمی‌شود. نظام عقیدتی باید برای آموزش و پرورش و تولید محتواهای مورد نظر خود، هزینه کند. برای فرهنگ مورد نظر خود باید هزینه کند. برای هنر مورد نظر خود باید هزینه کند. در عین حال، این کار را باید یک سرمایه‌گذاری در درازمدت سودآور برای خود، تلقی کند. یک زمان حوزه هنری تاسیس شد که این کار را به طور خاص تولی‌گری کند. اما جز حدود ده سال اول تاسیشتش، متأسفانه در هر دوره‌ای به‌گونه‌ای، از اهداف خودش فاصله گرفت.

اولین قدم لازم، شاید این باشد که این دانشگاه تحت پوشش حوزه هنری قرار بگیرد، نه سازمان تبلیغات اسلامی. چون کارش با کار سازمان تبلیغات اسلامی یکی نیست. نکته دیگر این است که برخی از مدیران حوزه‌ی هنری در طی ادواری، یا اهداف و

آرمان‌های اصلی حوزه را درست نمی‌شناختند یا مثل دهه ۷۰، باور عملی به آن نداشتند. لذا دقت در انتخاب افرادی برای این مسئولیت مهم، که هم وزانت و دانش و تجربه لازم برای تصدی این مسئولیت، و هم باور مومنانه به این اهداف و آرمان‌ها داشته باشند، بسیار لازم است.

دیگر اینکه استادانی که اینجا تدریس می‌کردند گاه افرادی بودند که با مبانی عقیدتی اسلامی مشکل داشتند و طبعاً نه هنر اسلامی را می‌شناختند و نه به آن باور داشتند. مثلاً در دهه هفتاد در ابتدای تاسیس این

دانشگاه، نادر ابراهیمی مدرس اینجا بود. نادر ابراهیمی خودش ابتدا رسماً می‌گفت کافر است! بعد تخفیف می‌داد می‌گفت حالا لاادری شده است. علوم انسانی که هنرمند یکی از شاخه‌هایش است نمی‌تواند توسط استاد کافر یا حتی لاادری تدریس شود و خروجی هنرمند مسلمان داشته باشد. استفاد از چنین مدرسان اگر هم از باب اکل میته یاد مقاطع ارشد و دکتری توجیهی داشته باشد، در علوم انسانی اینطور نیست. در علوم انسانی شخصی که تدریس می‌کند باید خدا باور و دین‌باور و اخلاق‌مدار باشد.

برای فردی که قصد تدریس دارد باید فضا شوق‌انگیز باشد. من خودم با همین بضاعت مزجات، در گذشته، در هر دانشگاهی حاضر نبودم درس بدهم. مدیران، ترکیب دیگر مدرسان و به ویژه دانشجویان، برایم بسیار مهم بودند. فقدان هر یک از این موارد سبب می‌شود که جاهایی، آن شوق لازم را در کسانی که باید به این فضاها بیایند و تدریس کنند

برنیا نگیرانند. بنده در بسیاری از سال‌های عمر کاری‌ام، در کلاس‌های آزاد ادبی تدریس کرده و نویسنده‌های بسیاری را فارغ از چارچوب‌های اداری دست‌پاگیر پرورش داده‌ام. هرچند مانند اغلب اهل هنر، با تدریس چندین میانه‌ای ندارم. بلکه مثل بیشتر آن‌ها، دوست دارم مشغول کار و فعالیت‌تولیدی در زمینه حرفه‌ای‌ام باشم. ولی برخی از همین‌ها، وقتی احساس وظیفه می‌کنند یا روی دلشان گذاشته می‌آیند

با این همه، از این طرف هم یک منتظارات حداقلی دارند. از جمله اینکه، وقتی وارد فضایی آموزشی می‌شوند، احساس کنند درسی را که می‌دهند، دارند به اهلس می‌آموزند. اما حساب بنده در این مورد، قدری با این هم‌سنخاتم فرق می‌کرد. من به این دلیل تدریس در اینجا را پذیرفتم که اولاً به هر حال بیست و سه سال کارمند حوزه هنری بوده‌ام؛ و این حق را بر گردنم می‌گذارم. دیگر اینکه اینجا نام مقدس

سوره را بر خودم دارد و به اسم آموزش و ترویج هنر اسلامی تاسیس شده. سوم اینکه شرایط فعلی فرهنگی-اجتماعی- آموزشی کشور، ایجاب می‌کند که اهل دانش و هنر و ادب متعهد، حضور فعالانه‌تری در مراکز آموزشی داشته باشند. و آخر سر اینکه، همانطور که پیشتر هم اشاره شد، احساس کردم در مدیریت فعلی اینجا، عزم برای اصلاح امور وجود دارد. و اگر نه لااقل تا اینجا که هنوز به چیزی که شوقی در من برانگیزد، برنخورده‌ام. —



مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ

زمان مطالعه: ۵ دقیقه

ما، حالا می‌توانیم سرمان را بالا بگیریم و از قوی‌تر شدن گرافیک انقلابی و آزاده در دانشگاه سوره در طی سال‌های گذشته سخن بگوییم. رشد و گسترش کمی و کیفی گرافیک در میان دانشجویان انقلابی تبدیل به پدیده‌ای انکارناپذیر حتی در تقابل با جریان روشنفکری شده‌است. هنگامی که به گذشته نه چندان مطلوب دانشگاه سوره نگاه می‌اندازیم، به مؤلفه‌هایی می‌رسیم که چگونگی قدرتمند شدن ما را می‌توان از خلال آن‌ها توضیح داد.



آثار هنرمندان سوره

● حسام مدحت
مدیر مسئول

◇ صبح روز ۱۵ مهرماه ۱۴۰۲ را به یاد بیاور! آن زمان که خون جوشیده مظلومان، نقشه جغرافیای آینده جهان را ترسیم نمود و سپاه رژیم شرّ، ضعیف‌ترین، درمانده‌ترین و منزوی‌ترین وضع تاریخ خود را آغاز کرد و «طوفان الاقصی»، طوفانی شد از جنس حماسه و انتقام با ترکیبی از غم، خشم، احساس رسالت و جست‌وجوی راهی برای انجام وظیفه.

◇ آنچه سرنوشت این معرکه را مشخص می‌کند، نیرویی است که در شمشیر مجاهد مسلمان و آزاده نهفته است. همان نیرویی که موجب شد به سرعت مقاومت فلسطینی از مرزهای سرزمین اشغالی عبور کند و هنرمندان آگاه اقصی نقاط جهان، از فلسطین در مقام نماد مقاومت، در اثر هنری خود بهره‌برند. روح هنر انقلاب که در پیام امام خمینی به هنرمندان طنین ویژه‌ای دارد، مفهوم مبارزه است. مبارزه، هنرمند را از خوددگی و در خودماندگی نجات می‌دهد و جوشش و انقلاب درونی و بیرونی در هنر ایجاد می‌کند هنری که در صحنه ستیز حاضر نباشد می‌خشکد یا به ناکجا آباد نفس اماره فرو می‌افتد. امام خمینی در پیام کوتاه خود می‌فرماید: «تنها به هنری باید پرداخت که راه ستیز با جهان‌خواران شرق و غرب و در رأس آنان آمریکا و شوروی را بیاموزد.» آیات پایانی سوره شعراء هم دال بر مفهوم مقابله با ظلم است. می‌فرماید از شعرا

(هنرمندان) فقط از گمراهان پیروی می‌کنند. همان هنرمندانی که در هر وادی سرگردانند و چیزهایی می‌گویند که به آن عمل نمی‌کنند. سپس گروهی از هنرمندان را از این دایره مستثنی می‌کند. کسانی که ایمان می‌آورند، کار نیک انجام می‌دهند بسیار به یاد خدا هستند و علاوه بر این یک ویژگی بسیار مهم دارند پس از آن که مورد ظلم واقع شدند، به دفاع و مبارزه برخاستند و یاری و نصرت طلبیدند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا.» اگر این صفات در کار آمد، آن وقت خواهی دید هنری که پدید می‌آید چگونه بنای ستم را زیر و زبر می‌کند: «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ.» این آیات در واقع مرامنامه هنر انقلابی است که حضرت امام در پیام کوتاه خود، آن را شرح و بسط داده و به زمینه و زمانه انقلاب

اسلامی ما در عصر حاضر پیوند داده است. هر قالب هنری، استعداد خاصی برای «اتصال به معنا» و «ابلاغ پیام» دارد که با قالب‌های دیگر متفاوت است. گرافیک در میان قالب‌های هنری با ویژگی‌هایی شناخته می‌شود که به آن قابلیت انطباق با معانی انقلاب اسلامی را می‌دهد و عدم وابستگی آن به زبان باعث شده تا راسخترین هنر موجود در بین دیگر رشته‌ها باشد و به خوبی مبارزه و معارف

انقلاب اسلامی را بازنمایی کند. شهید سیدمرتضی آوینی در مقالات درخشان خود درباره گرافیک که در کتاب «انفطار صورت» گردآوری شده است، از نخستین کسانی بود که به ماهیت گرافیک و قابلیت‌های بیانی آن برای انتقال پیام انقلاب اسلامی توجه پیدا کرد. او ۱۰ سال پس از پیروزی انقلاب، با دیدن تحولات تاریخی و سیر هنر انقلاب این خبر را اعلام کرد که گرافیک از میان سایر هنرها خیلی زود و آسان به خدمت دانشجویان می‌شود انقلاب اسلامی درآمده است؛ همانطور که توانسته به خدمت جریان‌های معارض با انقلاب اسلامی نیز در بیاید. آوینی از میان ویژگی‌های گرافیک، دو ویژگی عمده را شناسایی کرد:

۱- مردمی بودن و قابلیت درک برای عموم ۲- تعهدپذیر و سفارش‌پذیر بودن و بر خورداری از کیفیت تبلیغی.

◇ در زمانه‌ای که موجودیت رژیم شرّ به وسیله ایمان و اراده مستضعفین، در معرض تردید و تحقیر است، هنرمندان جوان سوره، من حیث لا یحتسب، از آنجاکه گمان نمی‌بردیم، شکفتند و سربر آوردند. دانشجویانی که پیش از این، به نحو مویرگی در کلاس درس، مساجد و مدارس و هیئت‌ها، هنر گرافیک را تجربه کرده بودند و در مناسبت‌های آیینی و انقلابی طرح گرافیکی می‌زدند، همزمان با «طوفان الاقصی» قیام کردند، همدیگر را پیدا کردند و به هم پیوستند.

◇ ما، حالا می‌توانیم سرمان را بالا بگیریم و از قوی‌تر شدن گرافیک انقلابی و آزاده در دانشگاه سوره در طی سال‌های گذشته سخن بگوییم. رشد و گسترش کمی و کیفی گرافیک در میان دانشجویان انقلابی تبدیل به پدیده‌ای انکارناپذیر حتی در تقابل با جریان روشنفکری شده است. هنگامی که به گذشته

۶-۵ مهدی نجمی

دانشجو ارتباط تصویری

۱۹-۱۱ فاطمه شیرغلامی

دانشجو ارتباط تصویری

۵ اشکوفه سیاوشی

دانشجو ارتباط تصویری

۲ زهرا جاری

مدرس گرافیک

اهدی رضوانی

دانشجو نقاشی

۳-۴ حوریه معمار

دانشجو انیمیشن

۹-۱۰ نورالهیدی حیدری فر

دانشجو ارتباط تصویری

۴ ام‌جتبی آذرنیوار

فارغ التحصیل ارتباط تصویری

فاطمه صفی‌پور

دانشجو تبلیغ و ارتباطات فرهنگی

۸ محمدحسین صفی‌آریان

دانشجو مدیریت رسانه و اما سوره!

زهرا صفری

دانشجو پژوهش هنر

۱۳ لیلا نیرومند

استاد گرافیک

۲ محمد صالحی

دانشجو انیمیشن

۱۶-۱۷ عطیه

رضا پور

رشته نقاشی

نه چندان مطلوب دانشگاه سوره نگاه می‌اندازیم، به مؤلفه‌هایی می‌رسیم که چگونگی قدرتمند شدن ما را می‌توان از خلال آن‌ها توضیح داد. شاید بتوان بر این اساس به الگویی برای نحوه عمل دیگر دانشجویان انقلابی در میدان‌های گوناگون دست یافت. زیرا اگر قرار است به همان نقطه تحولی در سوره برسیم و کاری کنیم که به اهدافمان نزدیک شود، تجسمی به تنهایی کافی نیست.

◆ هنرمندان انقلابی سوره در این مقطع با یک زمان شناسی درست، خود را در صحنه مبارزه حاضر کردند و

همین حضور، منجر به شکل‌گیری تجربه‌های منحصر به فرد در دانشگاه سوره شد و عمق و گستردگی تجربه هنری جبهه انقلاب را در این دانشگاه افزایش داد. شاید بتوان گفت همپای گرافیک فقط شعر است که دارای چنین خصلتی است. شعر هم مانند گرافیک در معرکه‌ها و هنگامه‌ها به سرعت جای خود را پیدا کرد و با خلق کلمات، شمشیر زد و به جبهه انقلاب نیرو بخشید.

۱- سوره شعراء، آیه ۲۶

یقین دارم که می‌گیرد، یقین دارم که سوزان است
یقین دارم که آهت ترجمان رنج انسان است

یقین دارم شنیده ناله‌هایت را خدا هر شب
بغل کرده تو را و با تو تا هر صبح‌گریان است

دمی خونت چکید و بعد از آن بر آسمان پاشید
که باران تیر شعبه شعبه مرگ حیران است

و موشک‌ها گلویت را به یکدیگر نشان دادند
تلظی کردی و دیدیم ذبحت سخت آسان است

هر آن‌کس که تو را نادیده باشد کور خواهد ماند
سکوت اینجا صدای ساز نحس آهنگ شیطان است

تو با آن حنجر پاره، با جسم لگدکوبت
تنی که ارباً اربا گشت و زلفی که پریشان است...

تو با هر قطره خون مرز حق و باطلی زین پس
جهان در نسبت با تو از اینان یا از آنان است

● محمدرضا وحیدزاده
شاعر و مدیر گروه ادبیات پایداری دانشگاه سوره

لالای بخواب
کودک غرق به خونم
تو را به دشت گل سرخ
بر بال فرشتگان
به دست نیاکان می‌سپارم

لالای بخواب
جان بی جانِ مادر
دنیا لایق خنده‌ات نبود
تو را به آغوش خدا می‌سپارم

لالای بخواب
از کرانه‌های دور
پرستوها امروز
برای وداع و بدرقه‌ات می‌آیند
گهواره زمینی محرم روی تو نبود
تو را به طاق آسمان می‌سپارم

لالای بخواب
پلک‌هایت را ببند
چشمانت آینه روزگار ماست
مرا بیخوش
مادرت در جهان میهنی نداشت
تو را به سرزمین بهشت می‌سپارم

● بنیامین فلاحی
سر دبیر



هنر در خدمت

تاملی بر رویداد مسابقه پوستر «الاقصی»



● مجتبی مجلسی

دبیر مجمع طراحان گرافیک انقلاب اسلامی (آیه)

◆ گرافیک همیشه به عنوان یک هنر در خدمت، در مواجهه با موضوعات سیاسی و اجتماعی روز، چالشی بزرگ داشته است، چالش نه از منظر وظیفه و رسالت هنرمند - که خود جای حرف‌های بسیار دارد - چالش از این منظر که مسائل و موضوعات سیاسی و اجتماعی ملغم‌های از کلیشه‌ها و حرف‌های تکراری است و حرف نو و جدید زدن و خلاقیت داشتن در تصویر همین حرف‌ها، کاری بسیار سخت و چالش برانگیز است.

برای همین است که بسیاری از طراحان گرافیک از زیر بار طراحی چنین محصولاتی، شانه خالی می‌کنند و در مواجهه با چنین سفارش‌هایی - سوای اعتقاد و باورشان - نمی‌توانند چنان که در طراحی پوسترهایی با موضوعات خاص مثل تئاتر و... «خود» نشان می‌دهند، کاری درخور و در حد و قواره‌ی اسم و رسم‌شان طراحی کنند.

چالش موضوعاتی این چنین می‌تواند سنگ محک خوبی باشد برای فهم میزان خلاقیت هنرمند گرافیست و مشق تصویری این آثار می‌تواند تمرین خوبی باشد برای رسیدن به بیان و زبانی متفاوت از مفاهیم و موضوعاتی تکرار شونده و به ظاهر کلیشه‌های و فائق شدن در این چالش سخت.

کارگاه تولید پوستر الاقصی دقیقاً با چنین چالشی روبه‌رو بود. موضوعی که به دفعات بسیار زیاد توسط هنرمندان و رسانه‌ها به آن پرداخته شده بود و قرار بود در این کارگاه؛ خلق اثر جدید داشته باشیم. اصولاً گام اول خلاقیت و ترک عادت‌های مرسوم بین هنرمندان گرافیست در چنین موضوعاتی می‌تواند بسیار راه‌گشا باشد. و آن نگاه از زاویه‌های جدید به موضوع کارگاه بود. زاویه‌هایی که ضمن اهمیت نگاه و تولید، کمتر به آن‌ها پرداخته شده است.

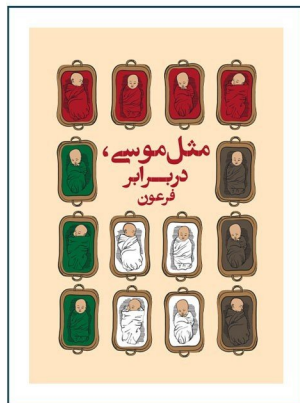
استفاده از ابر قصه‌های موجود که مشترک در ذهن مخاطبان با ملیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف است نیز اتفاق خوب این کارگاه بود. ابر قصه‌ی حضرت موسی که کودکی بود تنها بر رود نیل و کاخ فرعون را ویران کرد و یا ابر قصهٔ پرندگان ابابیل و...

البته ابر قصه‌هایی با مخاطب داخلی هم مثل باد آورده را باد می‌برد... در میان خروجی‌های این کارگاه خودنمایی می‌کرد.

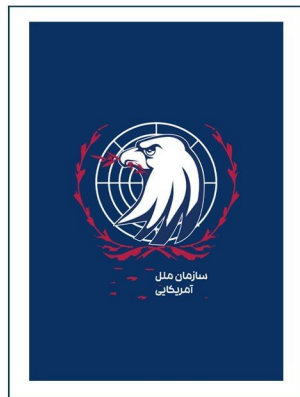
در پایان رسم ادب است از همه‌ی هنرمندان شرکت‌کننده در کارگاه و همه‌ی عزیزانی که در برگزاری این رویداد یاری دادند صمیمانه تشکر کنم.



نام هنرمند: فاطمه صفیپور
اثر برگزیده اول
رویداد الاقصی



نام هنرمند: زهرا صفری
اثر برگزیده دوم
رویداد الاقصی



نام هنرمند: علیرضا قاسمیپور
اثر برگزیده سوم
رویداد الاقصی



نام هنرمند: شکوفه سیاهوشی
اثر برگزیده اول
رویداد الاقصی



ماهنامه دانشجویی دانشگاه سوره



نگار (یادداشت اختصاصی)



توقف ممنوع!

گفت‌وگو با:
زهرآ خدائی

نویسنده کتاب و دانشجو مطالعات فرهنگی دانشگاه سوره



زهرآ خدائی، متولد و بزرگ‌شده نوربان است. دانشجوی رشته مطالعات فرهنگی دانشگاه سوره و نویسنده کتاب است و علاوه بر آن، همسر، محقق تاریخ شفاهی و عضو گروه جهادی «مدرسه خواندن» است. یکی از پروژه‌های این گروه آشنایی کودکان محروم و کم‌بضاعت با شعر و داستان در منطقه بشاگرد استان هرمزگان است. خدایی، دانشجو بودن را محور تمام فعالیت‌هایش می‌داند و خود را یک بانوی دانشجو و نویسنده معرفی می‌کند. اما دل خوشی از دانشجویی سوره بودن ندارد! وی از عدم اقبال مسئولین دانشگاه در شناسایی و به کارگیری ظرفیت‌های مغفول دانشجویان گلایه دارد. با او در مورد راهکارهای جبران این خلأ، به بهانه هفته کتاب و کتاب‌خوانی در دومین شماره راه به گفت‌وگو پرداختیم.

اگر بخواهید زهرآ خدائی را در یک جمله معرفی کنید چه خواهید گفت؟

فارغ از تمام مسئولیت‌ها و فعالیت‌هایی که وجود دارد و من هم مثل بقیه درگیر آن‌ها هستم بنظرم دانشجو بودن یک محور اصلی است و بیشتر اوقات در ابتدا خودم را دانشجو معرفی می‌کنم. از طرفی پیامبر، ما را به همیشه دانشجو بودن سفارش کردند و از طرفی هم عقیده دارم این عنوان در صدر عناوین دیگر قرار دارد. بنابراین زهرآ خدائی یک بانوی دانشجو و نویسنده است.

نقطه شروع فعالیت‌های فرهنگی و ورودتان به عرصه نویسندگی چه بود؟

اگر بخواهم برای ورود به عرصه‌های فرهنگ و هنر نقطه‌ی شروعی در نظر بگیرم، روزی است که رفاقتم با کتاب شروع شد. کتاب حلقه‌ی اتصال من و توانایی‌ها و علائقم بود و مرا به حرکت سوق داد. از سال‌های اول دبیرستان به واسطه‌ی یکی از دوستان کتاب‌خوانم به صورت جدی با شعر و داستان ارتباط برقرار کردم. در دوره کارشناسی با باغ موزه دفاع مقدس همدان آشنا شدم و بعد از گذراندن دوره‌های آموزشی به عنوان اولین راهنمای خانم در باغ موزه دفاع مقدس همدان مشغول به کار شدم. یک سال بعد به پیشنهاد یکی از اساتیدم در باغ موزه، نوشتن خاطرات یک شهید را آغاز کردم. کرونا و خانه نشینی نقطه‌ی عطفی بود تا از زمان بهری پیش‌تری بزم و کتاب دوم را بنویسم و این مسیر ادامه داشت تا امروز که سه کتاب چاپ شده دارم و سه کار تمام نشده. یکی از کتاب‌ها که مراحل پایانی‌اش را طی می‌کند؛ خاطرات یکی از فرماندهان لجستیک نیروی دریایی سپاه است. کار بعدی مجموعه خاطرات طنز دفاع مقدس است که بیشتر گروه‌کودک و نوجوان را مخاطب خود قرار می‌دهد و این اولین کارم برای این گروه سنی است. علاوه بر این دو، در حال تدوین زندگی‌نامه یکی از شهدای مدافع حرم نیز هستم.

راز هماهنگی بین این همه فعالیت‌ها در درس و نوشتن گرفته تا امور خانه چیست و چه چیزی شما را حرکت می‌دهد؟

میل به رشد و حرکت در درون همه وجود دارد اما از یک مقطعی به بعد خانم‌ها به خاطر درگیری‌های زندگی و عرف جامعه، سرعت‌شان کاسته و گاهی هم متوقف می‌شوند. باور این جمله که «هیچ چیز نباید من را متوقف کند» اولین قدم برای من بود. جمله‌ای که به عقیده‌ی من، خانم‌ها باید آن را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار دهند. رشد و حرکت در کنار همسر بودن، مادر بودن، کارمند بودن و... یک اولویت است که البته همراهی سایر اعضای خانواده را نیز می‌طلبد.

در راستای این حرکت مستمر، سعی کردم فعالیت‌هایم را با یکدیگر همراه کرده و در یک مسیر مشخص گام بردارم. قدم اول تغییر رشته و انتخاب رشته‌ی مطالعات فرهنگی بود. بعد از آن سعی کردم پروژه‌های کاری غیرمرتبط را نپذیرم و چارچوبی برای فعالیت‌ها و کارهایم در نظر گرفتم. در مرحله آخر هم کارها و مسئولیت‌هایم را به عنوان یک دانشجو، همسر، نویسنده و... اولویت‌بندی کردم تا هم به خانه و خانواده‌ی آسیبی نرسد و هم به درس و کار. واقعا سخت بود اما به لطف خدا و همراهی خانواده ممکن شد. آن چیزی که من را مصمم می‌کند به ادامه دادن این است که ما فرصت زیادی نداریم. همیشه به این فکر می‌کنم که مگر چقدر زمان مانده! پس باید هدف‌مان مشخص باشد و هر لحظه برای نزدیک‌تر شدن به آن در حرکت باشیم. نباید رسالت‌مان را فراموش کنیم.

به نظر شما دلیل عدم فعالیت بانوی فعالی مثل شما در فضای دانشگاه چیست؟

در خصوص فعالیت چند مسئله وجود دارد. اول چارچوبی است که پیش‌تر عرض کردم برای خودم در نظر گرفتم و آنقدر مشغله دارم که مثل دوران کارشناسی مشتاقانه به دنبال فعالیت در فضاهای مختلف دانشگاه نیستم. مسئله بعدی اقبال دانشگاه و مسئولین فرهنگی برای استفاده از دانشجویان است. در درجه اول وظیفه دانشگاه است که استعداد و قابلیت‌های دانشجویان خود را شناسایی کند و بعد آن‌ها را به کار بگیرد.

اگر مسئولین فرهنگی از فضای کارهای تکراری خارج شوند قطعا استعدادهای بی‌نظیری را در سطح دانشگاه خواهند

یافت که بتوانند کارهای بدیعی را خلق کنند. دانشگاه سوره با توجه به این که وابسته به سازمان تبلیغات است، دانشجویی تصویرگر و نویسنده دارد و ... می‌تواند با همکاری حوزه هنری در زمینه‌های مختلف فعالیت‌های شاخصی انجام دهد و آثار متفاوتی ارائه کند. من معتقدم اگر اهالی فرهنگ در دانشگاه با دیدی عشق به شغل‌شان بنگرند، نه کار، شرایط بهتری برای دانشجویان و آینده‌های، ادبی و فرهنگی شهر و حتی در آینده‌ی نه چندان دور در کشور رقم خواهد خورد.

با توجه به اینکه فضای کاری شما در حوزه ادبیات پایداری است به نظر شما دانشگاه سوره در این حوزه ظرفیتی دارد؟

بله قطعاً ظرفیت‌های زیادی دارد اما آن‌گونه که باید از آن استفاده نمی‌شود. همان‌طور که گفتیم ارتباط مستمر بین دانشگاه سوره و حوزه هنری می‌تواند اقدام بزرگی باشد. اخیراً به همت یکی از اساتید که خودشان هم از جانبازان دوران دفاع مقدس هستند جلسه نقدی بر روی یکی از کتاب‌هایی که توسط انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده، برگزار شد. موضوعی که برای من اذیت‌کننده بود، غریبه بودن دانشجویان با جزئیات دوران دفاع مقدس، فضای کتاب‌های این حوزه و نقد آن‌ها بود که بخشی از این مسئله به‌کم‌توجهی مسئولین دانشگاه بر می‌گردد. به اینکه این‌گونه جلسات مستمر نیست و متأسفانه بخش عمده‌ای از دانشجویان با این بخش از تاریخ کشور غریبه شده‌اند. اشاعه فرهنگ ایثار و شهادت و تبیین جایگاه دفاع مقدس برای دانشجویان دینی است که بر گردن همه ماست. دانشگاه سوره به عنوان یکی از دانشگاه‌های شاخص در عرصه‌ی فرهنگ و هنر که از قضا رشته ادبیات پایداری دارد، باید در این مسیر قدم‌های بزرگی بردارد. می‌توان دانشجویان مستعد در حوزه تاریخ شفاهی و خاطره شفاهی را شناسایی کرد و ضمن حمایت از دانشجویان و کارهایشان در این مسیر کارهای جدید و خوبی انجام داد. البته به واسطه‌ی اردوها و برنامه‌های مختلف بسترهای خوبی نیز در دانشگاه مهیا است تا این شناسایی و ارتباط صورت بگیرد. تعامل بین دانشگاه و دانشجو تأثیرات مثبتی دارد که همت مسئولین فرهنگی را می‌طلبد.

سوره و راهکارهای ترویج امید

دانشگاه سوره، یک برتری نسبت به اغلب دانشگاه‌ها دارد و آن جریان فرهنگ و هنر در دانشگاه است. با شنیدن کلمه دانشجو و دانشگاه ناخودآگاه احساس حرکت در انسان ایجاد می‌شود. حالا اگر با این عینک نگاه کنیم که دانشگاه سوره، محل تلاقی آموختن و فرهنگ و هنر در کنار هم است. این یعنی حرکت توأم با آرامش، یعنی امید. یعنی ادامه. و به نظر من، پررنگ‌تر کردن این مسیر همواره روشن اصلی‌ترین راهکار ترویج امید است. دارای خاصی که شاید دانشجویان، آن را به فراموشی سپرده‌اند و مسئولین موظف‌اند در راستای یادآوری این درایی تلاش کنند.

برسیم به خانم خدائی جهادگر. چطور وارد عرصه جهاد شدید؟

یکی از دوستان جهادگر می‌گفت همه ما را کتاب دور هم جمع کرده. من از این جمله وام می‌گیرم و می‌گویم کتاب من را وارد عرصه جهاد کرده. عنوان جهادگر بزرگ‌تر از این‌هاست که بخواهم بگویم زهرآ خدائی یک جهادگر است اما توفیق داشتم و مدتی است همراه دوستان جهادگر هستم و این آشنایی هم به واسطه کتاب و حوزه فعالیت مشترک من و سایر دوستان رخ داد. حق عنوان گروه ما نیز مرتبط با کتاب است. «گروه جهادی مدرسه‌ی خواندن». فعالیت‌های این گروه با محوریت کتاب و آموزش‌های شعر و داستان و خاطره و ... در منطقه بشاگرد است. اولویتم در کار جهادی همراهی با دوستانم در مدرسه خواندن است اما با توجه به شرایط با گروه‌های دیگری نیز همکاری دارم.

اگر بخواهید از ثمرات کار جهادی بگویید چه خواهید گفت؟

وقتی ما در اردوهای جهادی هستیم عبور زمان را احساس نمی‌کنیم. من فکر می‌کنم آسمان آن‌جا بلندتر است و زمین گسترده‌تر و حتی خنده‌های مردم قشنگ‌تر. کار جهادی در مناطق محروم ثمرات متفاوتی دارد. قدردانی، شکرگزاری، مسئولیت‌پذیری، رهایی از تعلقات، حال خوب و ... همه از آثار این فعالیت‌هاست اما مهم‌ترین و غیرقابل انکارترین مسئله رزق و برکت ویژه‌ای است که در زندگی جاری می‌کند. طوری که وقتی به عقب نگاه می‌کنیم انگار هیچ چیز دیگری غیر از حضور در اردوهای جهادی نبوده و هرآنچه که هست و داریم به برکت نفس و لیخند هم‌وطن‌هایمان در مناطق محروم است.



کتاب «جامانده»



کتاب «اعزام مجدد»



کتاب «پنج‌ماه بعد»

راه تو را می خوانند...

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ

«ن، سوگند به قلم و آنچه می نویسند»

فکرهایی که در سفیدی کاغذ به تحریر درآید ماندگار می شود، و این فرصت برای ماندگار شدن اکنون توسط «راه» برای شما دانشجوی گرامی فراهم شده است تا بلندا و قدرت قلم خود را به نمایش گذارید و ماندگاری صدای خود را به تصویر بکشید.

← اینک نشریه دانشجویی «راه» به عنوان مجلدی در راستای گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه رسانه و هنر، در نظر دارد تا به منظور پیشبرد هر چه بهتر اهداف نشریه و انجام رسالت دانشجویی خود از شما دانشجویان و فرهیختگان اهل قلم دعوت به همکاری نماید:

◇ حوزه های نگارش:

* ادبی * شعر * فرهنگ و هنر * طنز * نقد آثاری * خبر و گزارش و...

◇ حوزه های هنر:

* گویندگی * کاریکاتور * عکاسی و فیلم برداری * فتوشاپ و طراحی * صفحه آرایی * ویراستاری * تدوین * نویسندگی * تصویرسازی و...

◇ شما دانشجویان اهل قلم می توانید جهت عضویت در

هیئت تحریریه نشریه «راه» سابقه فعالیت و توانایی خود را به آدرس RAHMAG_SUN_ADMIN@ (ایتا، بله، تلگرام) ارسال نمایید.



آدرس شبکه های اجتماعی:

@RAHMAG_SUN

RAHMAG.UNS1402@GMAIL.COM

